

DOR: 20.1001.1.26453800.1399.4.7.6.1

Analysis of Intertextual Relations of Themes and Elements of Resistance in Ghavami Razi's *Ghadiriyyeh* and *Ghadir* Sermon

Fereshteh Sadat¹

M.A. student of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran

Ghaffar Borjsaz^{2*}

Assistant Professor of the Department of Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahed University

(Received:27/05/2020 ; Accepted:08/09/2020)

Abstract

Whereas the event of Ghadir and the proclamation of the guardianship of Imam Ali (peace be upon him) and his children is among the most important events in the history of Islam, and according to the explicit prophetic text, speaking, writing and composing about it is obligatory for everyone and at all times; Therefore, many poets, including Persian-language poets, have tried to compose poems regarding this event in order to fulfill their duty and convey Ghadir's message and the fundamentals of the culture of guardianship-abiding, awakening, seeking justice and to struggle against oppression and tyrant, and have taken provisions from this boundless sea analogous with their abilities. Therefore, the main concern of this study is to answer the question that, in terms of intertextual relations, to what extent Ghavami Razi, a sixth century poet, had regard to and made use of the absent text, i. e. Ghadir's sermon, in composing his Ghadiriyyeh, according to the elements and motifs of Resistance Literature. This study has been done by a qualitative-thematic analysis method and this investigation reveals that Ghavami Razi has acted so competently and skillfully in creating various thematic, lexical, stylistic and predicative intertextual relations with the sermon to such an extent that it arouses the emotions of each reader and compel him/her contemplate. In his poems, he explicitly boasts about the blessing of being a Shiite of Twelve Imams, and his poems reveals that he composed them to systematize political and doctrinal procedures and upheavals, in the history and people of his time and other times.

Keyword: *Ghadir sermon, intertextual relations, Ghadiriyyeh, Ghavami Razi, Resistance Literature.*

1 . fereshtehaghili1979@gmail.com

2 . * Corresponding Author: aborjsaz@yahoo.com

تحلیل روابط بینامتنی مضامین و مؤلفه‌های پایداری در غدیریه قوامی رازی و خطبه غدیر

فرشته‌سادات عقیلی تکیه^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران

غفار برجساز^{۲*}

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۸)

صفحات: ۸۷-۱۰۰

چکیده

از آن‌جا که واقعه غدیر و اعلام ولایت حضرت علی علیه‌السلام و فرزندانشان از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام است و طبق نص صریح نبوی سخن گفتن، نوشتن و سرودن درباره آن بر همگان و در همه زمان‌ها واجب است؛ از این رو شاعران بسیاری از جمله شعرای پارسی زبان بر حسب وظیفه و به جهت انتقال پیام غدیر و مبانی فرهنگ ولایت‌مداری، بیداری، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم و ظالم به سرودن اشعاری پیرامون این واقعه اهتمام ورزیده، به فراخور توانایی خود از این دریای بیکران توشه‌ها برداشته‌اند؛ از این رو مسأله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که قوامی رازی شاعر قرن ششم، در سرودن غدیریه خود در چه سطوحی از روابط بینامتنی با توجه به مؤلفه‌ها و بن‌مایه‌های ادب پایداری به متن غائب؛ یعنی خطبه غدیر نظر داشته و از آن بهره برده‌است. این پژوهش به روش تحلیل کیفی - مضمونی انجام گرفته است و این بررسی نشان می‌دهد که قوامی رازی در ایجاد روابط بینامتنی مختلف مضمونی، واژگانی، سبکی و گزاره-ای با خطبه چنان استادانه و ماهرانه عمل کرده است که عواطف هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد و او را به تأمل وامی‌دارد. وی در اشعار خود آشکارا بر نعمت شیعه دوازده امامی بودن خویش مباهات می‌کند و اشعارش نشان از آن دارد که وی آن‌ها را برای نظام بخشیدن به جریان‌ات و تغییر و تحول سیاسی و اعتقادی در تاریخ و مردم زمان خویش و دیگر زمان‌ها سروده است.

کلمات کلیدی: خطبه غدیر، روابط بینامتنی، غدیریه، قوامی رازی، ادب پایداری.

۱. fereshtehaghili1979@gmail.com

۲. * نویسنده مسئول: aborjsaz@yahoo.com

۱- مقدمه

بینامتنیت نشان می‌دهد که ایده‌های اصالت، یگانگی و هویت‌پنداری تا چه حد سست بوده، چندگانگی، تفاوت و دیگربودگی شرط ناگزیر زبان است. اصطلاح بینامتنیت به رابطه‌های گوناگون متن‌ها از لحاظ شکل و مضمون اشاره می‌کند. متن‌ها بافت‌هایی را فراهم می‌کنند که می‌توان دیگر متون را در درون آن‌ها خلق و تفسیر کرد. هر کسی که عهده‌دار فهم یک متن است می‌بایست رابطه آن متن با سایر متون را نیز تعیین کند. برای فهم یک متن تنها توجه به روابط درون‌متنی کارساز نیست و می‌بایست به رابطه متن با سایر متون نیز توجه کرد با توجه به اینکه، پیامبر گرامی اسلام در بخشی از خطبه غدیر فرمودند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِقَامَةَ وَرَأْيَهُ وَرَأْيَهُ (فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ وَتَبْلِيغُهُ حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ يَشْهَدُ أَوْ كَمْ يَشْهَدُ، وَوَلَدٌ أَوْ كَمْ يُولَدُ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ اِی مَرْدَم! اَنچَه بَه اَبلاغ اَن مأمور بودم بَه شما رساندم و اِین اَبلاغ حجتی است بر کسانی که حضور دارند و آن‌هایی که حضور ندارند و کسانی که متولد نشده‌اند، پس باید حاضران بَه غائبان و پدران بَه فرزندان تا روز قیامت اِین پیام را برسانند...»

همچنین در جای دیگری فرموده‌اند:

«بالاترین امر به معروف آنست که در گفتار من استوار و ثابت قدم بمانید و به کسانی که در این محل حضور ندارند، گفتار مرا برسانید و آن‌ها را به قبول آن وادارید و از مخالفت با آن نهی نمایید. اِین فرمانی است که از جانب خداوند عزوجل صادر شده و من شما را بَه اطاعت از آن امر می‌نمایم.»

از فرمایشات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین دریافت می‌شود که همگان در پخش و نشر این حدیث و واقعه غدیر مسئول‌اند و تا روز قیامت این وظیفه ادامه خواهد داشت. همه به اتفاق قبول دارند که در روز غدیر بعد از معرفی ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، حسان بن ثابت از پیامبر اجازه گرفت و شعری که همان لحظه سروده بود، قرائت کرد. این شعر به‌عنوان سند دائمی ضمیمه غدیر گردید. بعدها همین اشعار و شعرهای سروده شده بعد از آن، باعث هدایت برخی از جریان‌ها و افرادی که تحت تأثیر سقیفه قرار گرفته بودند، شد. شعرهایی که در باب غدیر سروده می‌شد، بعدها بابتی در شعر ایجاد کرد که به‌عنوان غدیره معروف گردید. قوامی رازی شاعر شیعی مذهب و دوازده امامی قرن ششم، با بهره‌گیری از فرمایشات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر و ایجاد رابطه بینامتنی با آن در چند قصیده از انتصاب به حق و مقام امامت و ولایت حضرت علی علیه‌السلام و ذکر فضائل ایشان و انتصاب و مقام عصمت فرزندان مولا علی علیهم‌السلام سخن رانده و پس از ابراز عقیده خویش همگان را به داشتن مهر مولا علی علیه‌السلام و فرزندان‌شان، حق‌طلبی و حق‌مداری، پایداری و مبارزه با ظلم و ظالم و شجاعت سفارش کرده است. همچنین در میان شعرای هم عصر خود و قرون گذشته تنها شاعری است که به مسأله غیبت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه و بحث انتظار پرداخته است.

۱-۱. بیان مسأله، ضرورت و هدف پژوهش

بررسی بینامتنیت نشان می‌دهد چندگانگی، تفاوت و دیگربودگی شرط ناگزیر زبان است. اصطلاح بینامتنیت به رابطه‌های گوناگون متن‌ها از لحاظ شکل و مضمون اشاره می‌کند. در این پژوهش، پیوندهای بینامتنی میان غدیره قوامی رازی و

خطبۀ غدیر سطح‌بندی می‌شود: ۱- بینامتنیت واژگانی (برآیندسازی، وام‌گیری، ترجمه)؛ ۲- بینامتنیت گزاره‌ای یا متنی (بینامتنیت کامل تعدیلی، بینامتنیت کامل متنی)؛ ۳- بینامتنیت اشاره‌ای؛ ۴- بینامتنی الهامی؛ ۵- بینامتنیت سبکی و اسلوبی. سپس مشخص می‌گردد از میان این پنج سطح، کدامیک بسامد بیشتری دارد. در این پژوهش مشخص می‌گردد شاعران تا چه حد به سفارش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پخش و نشر حدیث واقعه غدیر به زبان شاعرانه متعهد بوده‌اند. هدف اصلی این مقاله بررسی روابط بینامتنی مضامین و مؤلفه‌های ادبیات پایداری، میان خطبۀ غدیر و گزیده‌ای از غدیریۀ قوامی رازی است.

۲-۱. سؤال پژوهش

۱. چه سطوحی از روابط بینامتنی میان غدیریۀ قوامی رازی و خطبۀ غدیر وجود دارد؟
۲. در غدیریۀ قوامی رازی به کدامیک از مضامین و مؤلفه‌های پایداری خطبه غدیر اشاره شده است؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

اگرچه به‌طور جداگانه درباره خطبۀ غدیر و بینامتنیت و بررسی تطبیقی میان برخی غدیریۀ‌های فارسی و عربی تحقیقاتی صورت گرفته است، اما پژوهشی که غدیریۀ‌های فارسی را از دیدگاه بینامتنیت با خطبۀ غدیر بحث و بررسی کرده باشد یافت نشد. در ادامه شرح برخی از بررسی‌های تطبیقی خطبۀ غدیر و بینامتنیت و میان برخی غدیریۀ‌های فارسی و عربی را می‌آوریم: امینی تبار (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه خود، با عنوان «غدیر در شعر معاصر عراق»، در دانشگاه تربیت معلم سبزوار، به شرح حال شاعران، معرفی غدیریۀ‌ها و تحلیل اشعار شاعران معاصر عراق پرداخته‌است. شمس‌الدینی و خسروی (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی تطبیقی غدیریۀ‌های فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: غدیریۀ‌های شهریار و بولس سلامه)» در نشریۀ کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۳، سال اول، به بررسی تطبیقی غدیریۀ‌های دو شاعر معروف ایرانی و عرب و استخراج نقاط تشابه و تفاوت موجود در غدیریۀ‌های آن‌ها پرداخته‌اند. حسینی‌زاده (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل محتوای خطبۀ غدیر»، در دانشگاه الزهراء (س)، بر اساس فن تحلیل مضمونی و لایه‌شناسی متون برجای‌مانده از خطبۀ غدیر، به تحلیل آن پرداخته‌است. طحانی (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه خود، با عنوان «تحلیل روابط بینامتنی دنیا در نهج‌البلاغه و قرآن»، در دانشگاه شاهد، با تمرکز بر موضوع دنیا به تحلیل روابط بینامتنی «دنیا» در نهج‌البلاغه و قرآن در سه سطح واژگانی، گزاره‌ای و اشاره‌ای می‌پردازد.

۴-۱. روش پژوهش

مقاله حاضر، به روش تحلیل کیفی از نوع مضمونی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بر اساس هدف و سؤالات تحقیق انجام شده است.

۵-۱. مبانی نظری

بینامتنیت به معنای شکل یافتن متنی جدید بر اساس متون معاصر یا قبلی است؛ به‌طوری که متن جدید فشرده‌ای از تعدادی متون است که مرز بین آن‌ها محو شده، ساختارش به شکلی تازه می‌شود، به گونه‌ای که از متون قبلی چیزی جز ماده‌اش

باقی نماند و اصل آن در متن جدید پنهان شده و تنها افراد خبره توان تشخیص آن را داشته باشند (عزام، ۲۰۰۱: ۲).

بارت یادآور شده، واژه «متن» خود بر «یک بافته، یک بافت در هم تنیده» دلالت دارد.

«بنا به بحث بارت، ایده متن، و از این رو بینامتنیت، وابسته به انگاره‌های شبکه، بافت، و منسوجی (متنی) در هم تنیده از تار و پود «از پیش نوشته‌ها» و «از پیش خواننده»ها است؛ بنابراین، هر متنی معنای خود را از رابطه‌اش با دیگر متون دارد» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۷).

«هیچ راه یکه یا درستی برای خواندن یک متن وجود ندارد؛ زیرا هر خواننده‌ای انتظارات، علایق، دیدگاه‌ها و تجارب خوانش‌های پیشین را با خود به همراه دارد» (همان ۱۹).

«مؤلفان، متون خود را، به یاری اذهان اصیل خویش نمی‌آفرینند، بلکه این متون را با استفاده از متون از پیش موجود تدوین می‌کنند، همچنان که کریستوا می‌نویسد، یک متن «جایگشت متون و بینامتنیتی در فضای یک متن مفروض» است که در آن «گفته‌های متعدد، برگرفته از دیگر متون، با هم مصادف شده و یک‌دیگر را خنثا می‌کنند» متون بر ساخته از آن چیزی هستند که گاه «متن فرهنگی (یا اجتماعی)» نامیده می‌شود، یعنی همه آن گفتمان و شیوه‌های سخن گفتنی که به شکل نهادینه، ساختارها و نظام‌های سازنده فرهنگ را ایجاد می‌کنند. از این نظر، متن یک موضوع منفرد و مجرد نبوده، بلکه تدوینی از متنیت فرهنگی است. متن فردی و متن فرهنگی هر دو از یک سازمایه متنی ساخته شده و قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. با این حال، باختین و کریستوا هر دو تأکید می‌کنند که متون نمی‌توانند از متنیت فرهنگی یا اجتماعی گسترده‌تری که سنگ بنای آن‌هاست، منفک شوند» (همان: ۵۸).

به نظر آلن متن چنین است:

«یک کردار و یک فراورندگی بوده، جایگاه بینامتنی آن نشان‌گر ساخت یابی متن از کلام‌ها و گفته‌هایی است که پیش از این وجود داشته، پس از ادا شدن نیز همچنان استمرار یافته، بنابراین، به تعبیر باختین، «دوآوایه»اند. اگر که متن‌ها بر ساخته از اجزا و تکه‌های متن اجتماعی باشند، آن‌گاه تعارضات و تمایلات ایدئولوژیک مستمری که مشخصه زبان و گفتمان در جامعه به‌شمار می‌روند نیز همچنان در متن‌ها طنین‌انداز خواهند بود. منظور کریستوا از واژه‌های «کردار» و «فراورندگی» همین است» (آلن، ۱۳۸۵: ۵۸).

معنای متن همان آرایش بی‌ثبات مؤلفه‌های آن در کنار معانی از پیش موجود اجتماعی است؛ یعنی، معنا همواره و در آن واحد در «درون» و «بیرون» متن است.

«محور افقی (فاعل - مخاطب) و محور عمودی (متن - زمینه) با هم مصادف شده، واقعیت مهمی را مطرح می‌کنند. هر کلامی (یا متنی) آمیزش کلام‌هایی (متونی) است که در آن، دست‌کم یک کلام (متن) دیگر را می‌توان خواند... هر متنی همچون معرقی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود، هر متن جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است، فرض بینامتنیت به جای فرض بینادهنیت می‌نشیند و زبان شاعرانه خوانشی دست‌کم مضاعف می‌یابد» (همان: ۶۳ - ۶۱).

۲. معرفی شاعر

شرف‌الشعرا امیر بدرالدین قوامی خباز رازی، از شاعران معروف نیمه اول قرن ششم هجری است که به مواعظ و حکم و مناقب خاندان رسالت شهرت دارد. قوامی مردی شیعی مذهب و در میان شاعران شیعه معروف بوده است. نه تنها نام او در کتاب «النقض» در شمار شاعران شیعی ذکر شده، بلکه در آثار او اشعار زیادی در منقبت خاندان رسالت و مرثیت آنان نیز دیده می‌شود. اشعاری در زهد و وعظ و ترجیعات و غزل‌های عاشقانه لطیف و دل‌انگیز و روان دارد که قصائد و وعظ اندرز او از نظر لفظ و معنی متوسط و بیشتر مقصور بر ایراد معانی و افکار عادی دینی است. (صفا، ۱۳۸۱: ۴۵۴).

۳. متن حاضر

چو صاحب شریعت پس از کردگار	ثناگوی بر صاحب ذوالفقار
سپهدار اسلام، شیر خدای	امیر عرب، سید بردبار
گزارنده در یاری شرع تیغ	بوآرنده از بت پرستان دمار
ستاننده از پهلوانان روان	گشاینده در نصرت دین، حصار...
	(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۱)

رابطه بینامتنی: شاعر با استفاده از شگرد اشاره به جای تصریح، جهت تأکید و حسن انتخاب ترکیب «صاحب شریعت» و الهام از مضمون متن غایب، بیان می‌دارد که پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان صاحب شریعت اسلام پس از خداوند ستایش‌گر مولا علی علیه‌السلام است و با مقدم داشتن متمم بر مسند به ستایش خداوند متعال از حضرت علی علیه‌السلام تأکید کرده و با متن غایب، بینامتنیت مضمونی (الهامی) برقرار ساخته است. پیامبر گرامی اسلام در خطبه، هم خود، مولا علی علیه‌السلام را مدح و ستایش و دعا کرده‌اند، هم به همه سفارش کرده‌اند که ایشان را مدح و ستایش کنند:

(۱) *مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ؛* ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می‌کند و خلق باقی هستند (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۹۶).

(۲) *مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ؛* ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است (همان: ۹۲).

(۳) *مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوا عَلِيًّا...؛* ای مردم، علی را فضیلت دهید (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۹۲).

(۴) *مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُخْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَلِّتُوه؛* ای مردم، فضایل علی بن ابی‌طالب نزد خداوند - که در قرآن آن را نازل کرده - بیش از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم. پس هر کس درباره آن‌ها به شما خبر داد و معرفت آن را داشت، او را تصدیق کنید (همان: ۱۵۵).

در ابیات بعدی شاعر با اشاره به شجاعت، پهلوانی و دفاع مولا علی علیه‌السلام از دین اسلام و به کارگیری ترکیب وصفی «سید عرب» و اشاره به بردباری و فرمانروایی حضرت با متن غائب رابطه بینامتنی واژگانی و الهامی برقرار ساخته است.

(۱) *مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ؛* ای مردم، او یاری‌کننده دین خدا و جدال‌کننده از جانب رسول خداوند است (همان: ۱۰۹).

۲) قَاتِلُ النَّكِيثِ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ و اوست قاتل ناکثین و قاسطین و مارقین به امر خدا (همان: ۱۰۴).

۳) وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ؛ و جنگ‌کننده با دشمنان خدا (همان: ۱۰۳).

۴) أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ؛ آگاه باشید که علی علیه‌السلام به شکیبایی و شکرگزاری موصوف است و بعد از او فرزندان من که از صلب او هستند، صبور و شاکر می‌باشند (همان: ۱۱۶).

ولی نعمت اهل دین از رسول ولی عهد پیغمبر کردگار (قوامی رازی، ۱۴۱:۱۳۳۴)

رابطه بینامتنی: شاعر در عبارت «ولی نعمت اهل دین» به قسمتی از مضمون متن غائب که مولا علی علیه‌السلام را دلیل خلقت و رسیدن روزی به بندگان معرفی کرده، اشاره دارد و در مصرع دوم نیز با عبارت «أَنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ» در متن غائب رابطه بینامتنی گزاره‌ای برقرار ساخته است.

۱) بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ؛ خداوند روزی خلاق را به سبب ما فرستاده و نظام آفرینش را به واسطه ما پایدار فرموده است (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۹۶).

۲) ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ؛ بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است (همان: ۱۸۹).

۳) أَنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ اوست خلیفه رسول خدا و اوست امیرالمؤمنین (همان: ۱۰۳).

نخورده نبیذ و نجسته سماع معلی ز نسبت، معری ز عیب ز تقواش حله ز پرهیز تاج نکرده زنا و ندیده قمار بری از خطا و برون از عوار ز عصمت ردا و ز طهارت إزار (قوامی رازی، ۱۴۲:۱۳۳۴)

رابطه بینامتنی: شاعر در ابتدا با اشاره کردن به اعمالی و مبری دانستن مولا علی علیه‌السلام از انجام این اعمال در حقیقت به صورت مبسوط ایشان را مبری از انجام گناه و معصوم دانسته، در بیت بعد با اشاره مستقیم به معصومیت و منزّه بودن ایشان از خطا و عیب و بلندمرتگی ایشان به سبب نسب و خویشاوندی از مضمون متن غائب بهره می‌جوید و مجدداً در بیت بعدی، با آوردن تمثیل و تشبیه به مرتبه والای تقوا و پرهیزگاری مولا علی علیه‌السلام (پوشانده شدن به وسیله تقوا و داشتن تاجی از پرهیزگاری) اشاره کرده، با نگاهی به آیه تطهیر، بر طهارت و عصمت حضرت تأکید کرده، با خطبه بینامتنیت مضمونی (الهامی) برقرار ساخته است.

۴. متن غائب

الف) وَ هُوَ التَّقِيُّ التَّقَى...؛ او پرهیزگار و پاکیزه و... است (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در خطبه از مولا علی علیه‌السلام به عنوان اولین ایمان‌آورنده به پیامبر گرامی اسلام و اولین مسلمان و اولین کسی که با پیامبر نماز گزارده نام برده شده، از آن‌ها به عنوان فضائلی منحصر به فرد یاد شده است.

(۱) إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيَّ الْإِيمَانُ بِي أَحَدٌ)؛ او اول کسی است که ایمان به خدا و رسول او آورد (همان: ۹۲).

(۲) أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ؛ او اولین کسی است که همراه من، خدا را عبادت کرد. (همان: ۹۲)

از افتخارات و فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن است که اولین مسلمان از مردان بود و پیشتازی و سابقه در ایمان داشت. این فضیلت هم در احادیث پیامبر خدا آمده است: «عَلِيٌّ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي» و «أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ عَلَيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ» و هم از زبان خود علی علیه‌السلام، چه در احادیث آن حضرت، چه در اشعارشان:

سَبَقْتَكُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ طَرَا
غَلَامًا مَا بَلَغْتَ أَوَانَ حَلْمِي
صَدَقْتَهُ وَجَمِيعَ النَّاسِ فِي بَهْمِ
مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْإِشْرَاكِ وَالنَّكَدِ

که در بیت اول اشاره به اسلام آوردن پیش از همه و قبل از سن بلوغ دارد و در دوم، تصدیق نبوت پیامبر، در زمانی که همه مردم در گمراهی و شرک بودند. در احادیث متعددی آمده است که سن آن حضرت هنگام مسلمان شدن ده سال بود. خود او فرموده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز دوشنبه مبعوث شد و من سه‌شنبه مسلمان شدم: «بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ أَسَلَمْتُ يَوْمَ الْثُلَاثَاءِ». ابن عباس نقل کرده که آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» درباره امیرالمؤمنین نازل شده است، او در ایمان بر همه سبقت جست و به دو قبله نماز خواند و در دو بیعت شرکت داشت: «نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ سَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ بِالْإِيمَانِ وَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ» (محدثی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

فروهسته از علم بُرَقِع به روی
نبوده چو جاهل خلیع العذار

...

...

چو گویی به علم علی بود کس
خرد گوید از روی او شرم دار

(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۲)

رابطه بینامتنی: شاعر در بیت با تشبیه و تمثیلی زیبا به جامعیت و کمال علم مولا علی علیه‌السلام اشاره کرده، ایشان را کسی را می‌داند که روپوش و نقابی از علم بر چهره دارند و با جمله‌ای شرطی جهت تأیید سخن خود می‌گوید: اگر بگویی که علم کسی به اندازه علم مولا علی علیه‌السلام است، خرد و عقل می‌گوید که از روی مولا شرم داشته باش. بدین گونه مضمون بیت حاضر با مضمون متن غائب در تعامل است.

(۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي، وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ) فَعَلِمَ الْأَمْرَ، وَ النَّهْيَ لَدَيْهِ؛ ای مردم، خداوند به من امر و نهی فرموده و من به علی امر و نهی نمودم و علی آگاه شد به آنچه خداوند عزوجل به من امر فرموده است (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

(۲) مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عُلِّمْتُهُ عَلِيًّا...؛ هیچ علمی نیست، مگر آن که خداوند آن را در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته‌ام در امام المتقین جمع نموده‌ام و هیچ علمی نیست، مگر آنکه آن را به علی آموخته‌ام (همان).

۹۰.

۳) مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِي عِلْمِي...؛ ای مردم، این علی است برادر من و وصی من و جامع علم من... (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۴) مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلِيٌّ يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي؛ ای مردم، من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم و این علی است که بعد از من به شما می فهماند (همان: ۱۳۶).

رابطه بینامتنی: در متن خطبه هم با استفاده از ساخت استثنای «نفی» سپس «اثبات» و بهره گیری از واژه «کل»، به جامعیت این علم الهی به شیوه های بیانی و بلاغی ویژه زبان عربی اشاره شده است که در ترجمه این طرز بیان به زبان فارسی شاهد کاربرد این امکانات زبانی هستیم: به کار بردن صفت مبهم منفی «هیچ»، در «هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند در من جمع کرده»، به شکل سلبی؛ به کار بردن صفت مبهم مثبت «هر»، در «هر علمی را آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام»، به صورت ایجابی؛ و مجدداً صفت مبهم «هیچ»، در «هیچ علمی نیست، مگر آنکه به علی آموخته ام» نشان دهنده تأکید بر جامعیت و کمال علم حضرت می باشد؛ بنابراین شکل به کارگیری بینامتنیت در بیت حاضر را، با توجه به شاهد، می توان بینامتنیت سبکی نیز دانست.

۱) قَوْلَهُ كُنْ بَيْنَ كَلِمَةٍ زَوْجَرَةٌ وَ كُنْ يُوضِحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعَعُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بَعْضُهُ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُعَلِّمُكُمْ...؛ به خدا قسم! باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند، مگر این شخصی که دست او را می گیرم و او را به سوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۹۹).

۲) وَاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَرَفْنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ؛ خداوند عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته، به او سپرده ام (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۹۰).

در خطبه، شناسایی حلال از حرام، علم تفسیر و باطن قرآن، توان پاسخ گویی به سؤالات، علم به امر و نهی خداوند و توانایی روشن کردن و فهماندن مسائل مختلف به مردم، پس از پیامبر فقط به مولا علی علیه السلام نسبت داده شده است که این مسأله به جامعیت و کمال علم حضرت و بهترین مرجع و منبع استفاده انسان ها برای رسیدن به فهم و کمال اشاره دارد.

از کلیدی ترین مباحث امامت، موضوع «علم امام» است. کسی که جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می شود، باید در علم به دین، قرآن، احکام، معارف، قضاوت و داوری، دانش سیاسی، تدبیر و جهات دیگر، «داناترین» باشد. این ویژگی برای حضرت امیر علیه السلام فراهم بود و بارها رسول خدا با عبارات های مختلف، مقام علمی و دانش گسترده آن حضرت را یاد آور شده، صدها حدیث به بُعد علمی و اعلیت حضرت علی علیه السلام مربوط می شود، یا مضامینی از این قبیل که:

«پیامبر هزار باب علم به او آموخت که از هر کدام، هزار باب گشوده می شد، پیامبر املا می علم می کرد و علی علیه السلام می نوشت، او باب علم پیامبر، خازن علوم رسول خدا، حامل حکمت های نبوی، وارث علم نبی و اعلم امت بود، هر چه می شنید از یاد نمی برد، آن قدر علم داشت که کسی را نمی یافت از علومش به او بگوید، علم قرآن، علم شرایع، علم دین، علم بلایا و منایا نزد او بود. سخنان آن حضرت، گویاترین گواه علم سرشار و بی پایان اوست که به منبع بی انتهای ازلی وصل بود. شیعه به این

گونه احادیث، بر امامت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام استدلال می‌کند، چرا که علم را از شرایط مهم در امام می‌داند» (محدثی، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

(۱) وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ دُرَيْتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و او و آنان که از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می‌دهند و آنچه را نمی‌دانید، برای شما بیان می‌کنند (طباطبایی‌نسب، ۱۴۱۳۸۶).

(۲) مَعَاشِرَ النَّاسِ، التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي ثَمِّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا؛ ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی‌طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم، که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می‌گیرد (همان: ۱۱۴).

مبارز چو روباه گمراه بود	ز شمشیر آن شیر در کارزار
اگر کارزار علی نیستی	شدی اهل اسلام را کار، زار
سپر بود در پیش دین تیغ او	همی کرد در راه دین جان سپار
به مردی حدیث علی گو، مگوی	که رستم چه کردست و اسفندیار
	(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۳)

رابطه بینامتنی: شاعر با تشبیهی مولا علی علیه‌السلام را همچون شیر و مبارز مقابل حضرت را همچون روباهی گمراه بیان می‌کند و بدین گونه عقیده خود ا مبنی بر، بر حق بودن و حق‌مداری مولا علی علیه‌السلام و گمراهی دشمنان ایشان بیان می‌دارد و در بیت بعد مبارزات و مجاهدت‌های مولا علی علیه‌السلام را موجب قوام اسلام دانسته، با اشاره به ماجرای خوابیدن حضرت در بستر پیامبر و از خود گذشتگی و جانبازی ایشان در راه حق و اسلام، با خطبه بینامتنیت الهامی برقرار می‌کند. در بیت بعد شاعر با جمله‌ای امری، جهت ارشاد می‌گوید: داستان جوان مردی و شجاعت و پهلوانی مولا علی علیه‌السلام را بگو و از اینکه رستم و اسفندیار چه کرده‌اند، سخنی مگو؛ شاعر جوان مردی و پهلوانی رستم و اسفندیار را که اسطوره‌های پهلوانی و جوان مردی هستند، در مقابل مولا علی علیه‌السلام هیچ می‌داند.

وَ هُوَ الَّذِي قَادِيَ رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ؛ اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد (طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۶: ۹۲).

«در جنگ احد، وقتی در یک مرحله مسلمانان شکست خوردند و یاران پراکنده گشتند، علی علیه‌السلام با فداکاری بی‌نظیری به دفاع از پیامبر خدا و دفع هجوم مشرکان پرداخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز او را دعا کرد. ندایی از آسمان شنیده شد که صدای جبرئیل بود، چهار هزار فرشته همراهش، می‌گفت: «لا فتى إلا على ولا سيف إلا ذو الفقار»؛ جوان مردی جز علی علیه‌السلام و شمشیری جز ذوالفقار نیست» (محدثی، ۱۳۸۹: ۵۱۸).

سرافراز از اصحاب، وز اهل بیت	همی کن ز هر یک جدا افتخار
	(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۳)

رابطه بینامتنی: شاعر در این بیت به قسمتی از متن غائب که پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: «هذا علي، أنصركم لي وأحقكم بي وأقر بكم إلي وأعزكم علي...؛ این علی بهتر از شما مرا یاری می‌کند و از شما نزد من سزاوارتر و نزدیک‌تر و عزیزتر است» (طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۰۸)، اشاره دارد و با خطبه بینامتنیت الهامی برقرار ساخته است.

ولیکن یقین دان که فاضل تر است
 علی چون محمد نگویم که هست
 ولی گویم از امتش بهتر است

محمد ز پنج و علی از چهار...
 رهی چون بود چون خداوندگار
 یکی مرد باشد فزون از هزار
 (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۴)

شاعر با استفاده از فعل امری «یقین دان» بر درستی عقیده خود تأکید می‌نماید و پیامبر گرامی اسلام را برترین فرد از میان پنج تن آل عبا و مولا علی علیه‌السلام را پس از ایشان برتر می‌داند. قوامی رازی همچون مضمون متن غائب، به برتری جایگاه و منزلت پیامبر گرامی اسلام نسبت به مولا علی علیه‌السلام، معتقد است و حضرت علی علیه‌السلام را از میان صحابه و امت پیامبر و همچنین خاندان پیامبر و دیگر امامان، از همه برتر می‌داند.

(۱) مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَثْنَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ؛ اِی مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می‌کند و خالق باقی هستند (طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۶: ۹۶).

ز بعد علی یازده سیدند
 همه پاک و معصوم و نص از خدای
 ز جد و پدر یافته علم دین
 یکی مانده زیشان نهان در جهان

به میدان دین در، ز عصمت سوار
 پیمبر وقار و فرشته شعار
 نه از روزگار و نه ز آموزگار
 جهانی از او مانده در انتظار...
 (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۴)

شاعر در این ابیات، با توجه به متن غائب و بهره‌برداری از آن، به چند مسأله مهم اشاره کرده است که شعرای دیگر، با توجه به اوضاع سیاسی زمان، کمتر بدان‌ها پرداخته‌اند، ولی در بندهای مختلف خطبه و با عبارات مختلفی به این مسائل پرداخته شده، از نظر محتوایی و عقیدتی نیز بسیار مهم بوده است. شاعر به امامت یازده امام پس از مولا علی علیه‌السلام که از فرزندان ایشان می‌باشند همچنین به عصمت و پاکی و علم ایشان اشاره دارد و به فراگیری این علم از وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و مولا علی علیه‌السلام توجه داشته، همچنین به غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام و مسأله انتظار که در خطبه در یک بخش به صورت جداگانه آمده، پرداخته است و با خطبه بینامتنیت مضمونی و واژگانی برقرار ساخته است.

(۱) أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْفَاتِمَةَ الْمَهْدِيَّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَهَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ. أَلَا إِنَّهُ الْمَخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنْ الْأَقْرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَاحِجَةً بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لِأَنْوَارٍ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ إِنَّهُ وَ لِي اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ (طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۱).

(۲) فَأَمْرَتْ أَنْ آخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِعَبُولٍ مَا حُتُّ بِهِ عَنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَأْتِي اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَ يُفَضِّي (طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

۳ وَعَظَّتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْلَاهُ، الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْلَاهُمَا فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَضَمَائِرِنَا
وَأَيْدِينَا (همان: ۱۵۰- ۱۵۱)

شاعر در قصیده دیگری که به اقتضای قصیده معروف سنایی سروده است، دوباره به این مضمون پرداخته است و این نشان از میزان اهمیت این مسأله نزد شاعر دارد.

تا کی از هزل و هوس دنبال شیطان داشتن	اعتقاد اهرمن در حق یزدان داشتن
...	...
گرد بهمان و فلان کم گرد چون باید تو را	وقت حاجت قصه بر حنان و منان داشتن
چند با ایزد تعالی مکر و داستان ساختن	چند با ابلیس ملعون عهد و پیمان داشتن
	(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۳۰)

گ

شاعر با استفاده از جمله پرسشی به قصد توییح و ملامت، سعی در بیان مضمون متن غائب داشته، کسانی را که خلافت و جانشینی مولا علی علیه السلام را نپذیرفته‌اند خطاب قرار می‌دهد و این عدم پذیرش آنان را عملی از روی هوا و هوس و پیروی از شیطان و اعتقادی شیطانی دانسته، سپس به اهمیت بهره‌گیری از عقل و خرد با جمله‌ای امری به قصد ارشاد و ترغیب و تشویق اشاره می‌کند و با اشاره به مثل معروف «دشمن دانا به از نادان دوست» سخن خود را مؤید کرده، با استفاده از شگرد اشاره به جای تصریح، مخاطب را از پیروی غاصبین حق حضرت نهی می‌کند و بر سخن خویش دلیل می‌آورد که چون ملجاء حقیقی برآورنده حاجات، پروردگار حنان و منان است؛ نباید از دیگران پیروی کرد و پیروی از غاصبین حق مولا علی علیه السلام را مکر و حيله با خداوند و عهد و پیمان بستن با شیطان دانسته است؛ چنان که اشاره شد، در خطبه نیز غاصبین حق حضرت افرادی منافق که پرهیزگاریشان کم است و افرادی فسادانگیز که به اسلام استهزاء می‌کنند، معرفی شده، لعن و نفرین شده‌اند؛ بنابراین شاعر با متن غائب رابطه بینامتنی مضمونی «الهامی» برقرار ساخته است.

(۱) أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفِ الْقَوْلِ غُرُورًا؛
آگاه باشید دشمنان علی اهل تفرقه و نفاق بوده، دشمن یکدیگرند و از نظر خصلت برادران شیاطین
هستند که برخی بر برخی دیگر وحی و الهام می‌نمایند و گفتار ناهنجار آن‌ها از روی غرور و جهل
است (طباطبایی نسب، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

(۲) أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا؛ آگاه باشید با علی دشمنی نمی‌کند، مگر کسی که بدبخت است
(همان: ۱۱۱).

ملت احمد طلب بی شرع او عالم مخواه	زانکه کار هرزه باشد بی گوهر کان داشتن
بعد از احمد، دامن مهر علی در پای کش	زانکه بس ناخوش بود بی سر گریبان داشتن
	(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۳۱)

شاعر با استفاده از جمله امری به قصد ارشاد، خواننده را به برگزیدن کیش و مذهب پیامبر تشویق و و امر کرده، سپس جهت تأکید بر ارشاد مخاطب، او را از طلب و خواستن عالم، بدون دین و مذهب محمدی صلی الله علیه و آله نهی می‌کند و در مصراع بعد جهت تأیید سخن خود دلیل می‌آورد و داشتن همه عالم را بدون دین و آئین اسلام بیهوده می‌داند و در بیت بعد نیز ضمن تعامل با متن غائب، مخاطب را به داشتن مهر و محبت مولا علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم، امر کرده، با آوردن دلیل مجدداً بر ارشاد و امر خود تأکید می‌کند و با خطبه رابطه بینامتنی مضمونی «الهامی» برقرار کرده است.

وز پس او یازده سید که ما را واجب است اعتماد عقبی و دنیا بر ایشان داشتن
(همان: ۱۳۱)

در این بیت، شاعر به امامت و آقایی و برتری فرزندان مولا علی علیه السلام و وجوب محبت و ولایتشان در دنیا و آخرت اشاره دارد و این مضمون مهمی است که با اینکه در بندهای مختلفی از خطبه به آن اشاره شده است، ولی شعرای قرون گذشته و دیگر شعرای قرن ششم به سبب مسائل اعتقادی یا تقیه بدان نپرداخته‌اند و در حقیقت یک رابطه بینامتنی مضمونی (الهامی) بین دو متن دیده می‌شود.

۵. نتیجه گیری

طبق بررسی‌های انجام گرفته در این پژوهش، می‌توان پیوندهای بینامتنی میان غدیریۀ قوامی رازی و خطبۀ غدیر را به پنج سطح تقسیم کرد: ۱- بینامتنیت واژگانی (برآیندسازی، وام‌گیری، ترجمه)؛ ۲- بینامتنیت گزاره‌ای یا متنی (بینامتنیت کامل تعدیلی، بینامتنیت کامل متنی)؛ ۳- بینامتنیت اشاره‌ای؛ ۴- بینامتنی الهامی؛ ۵- بینامتنیت سبکی و اسلوبی. از میان این پنج سطح، می‌توان گفت بینامتنیت مضمونی (الهامی و اشاره‌ای) از بسامد بیشتری برخوردار است و بعد از آن بیشترین بسامد مربوط به بینامتنیت واژگانی است. قوامی رازی با نظری ویژه و دقیق به خطبۀ غدیر و بن‌مایه‌های ادب پایداری و بهره‌گیری واژگانی و توجه به واژگانی چون «علی»، «عصمت»، «معصوم»، «بردباری»، «علم»، «شجاعت» و آرایۀ ادبی تشبیه و تلمیح به آیه تطهیر، لیلۀ المیبت و... بر اعتقاد خود مبنی بر برتری مولا علی علیه السلام بعد از پیامبر گرامی اسلام بر همگان از جمله امت و امامان دیگر، بر عصمت از گناه، شجاعت، بردباری، علم و بری بودن مولا علی علیه السلام از هرگونه خطا و اشتباه و اعتقاد خود، به عصمت و علم و امامت یازده امام پس از حضرت علی علیه السلام به‌ویژه امامت حضرت مهدی علیه السلام و غیبت ایشان و مسأله انتظار و دلیل غیبت ایشان اشاره داشته است. از طرفی به بهره‌گیری از خرد و دانایی، دوری و مبارزه با منافقان، ظالمان، برگزیدن دین احمدی و وجوب داشتن اعتقاد و مهر حقیقی به مولا علی علیه السلام و یازده فرزند ایشان در دل، اتحاد و همدلی و پرهیز از تفرقه، سفارش و امر کرده است.

فهرست منابع

۱. آلن، گراهام. (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
۲. امینی تبار، غلامرضا. (۱۳۸۸). غدیر در شعر معاصر عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
۳. حسینی‌زاده، سیده زینب. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای خطبۀ غدیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۴. شمس‌الدینی، اعظم؛ خسروی، کبری. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی غدیریۀ‌های فارسی و عربی (مطالعه موردپژوهانه: غدیریۀ‌های شهریار و بولس‌سلامه). کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۳، سال اول.

۵. صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.
۶. طباطبایی نسب، محمدرضا. (۱۳۸۶). *برآستان غدیر*. تهران: نورالائمه.
۷. طحانی، اشرف. (۱۳۹۷). *تحلیل روابط بینامتنی دنیا در نهج البلاغه و قرآن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
۸. عزام، محمد. (۲۰۰۱ م). *تجلیات التناسفی الشعر العربی*. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۹. قوامی رازی، بدرالدین. (۱۳۳۴). *دیوان قوامی رازی*. میر جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: سپهر.
۱۰. محدثی، جواد. (۱۳۸۹). *فرهنگ غدیر*. چاپ هفتم. قم: معروف.
11. Alen, Graham (2006), *Intertextuality*, Yazdanjoo, Payam, Tehran: Markaz.
12. Aminitbar, Gholamreza (2009), *Ghadir in Contemporary Iraqi Poetry*, Sabzevar Teacher Training University.
13. Ezam, Mohammad (2001). *Manifestations of Al-Tanasafi Arabic poetry*.
14. Ghavami Razi, Badraddin (1334), *Divan Ghavami Razi*, Mohaddes Ermoi, Mir Jalaluddin, Tehran: Sepehr.
15. Hosseinizadeh, Seyedeh Zeinab (2016), *Content Analysis of Ghadir Sermon*, Al-Zahra University Master Thesis.
16. Mohaddesi, Javad (2010). *Farhang Ghadir*, seventh edition, Qom: Maroof.
17. Shamsaldini, Azam; Khosravi, Kobra (2011), *A Comparative Study of Persian and Arabic Ghadiriyehs (Case Study: Ghadiriyehs of Shahriyar and Bols Salameh)*, *Comparative Literature Research*, No. 3, First Year.
18. Safa, Zabihollah (2002), *History of Literature in Iran*, Tehran: Ferdows.

- 19.Tabatabai Nasab, Mohammad Reza (2007), *On the Threshold of Ghadir*, Tehran: Noor Al-Aimeh.
- 20.Tahani, Ashraf (1397), *Analysis of intertextual relations in the world in Nahj al-Balagheh and Quran*, Master Thesis, Shahed University.